

تحولات قائم مقامی بیمه‌گر در قانون بیمه اجباری

محمد رضا معین^۱، بهناز مردعلی^۲

^۱ هیئت علمی دانشگاه آزاد اسلامی

^۲ کارشناسی ارشد حقوق خصوصی دانشگاه آزاد اسلامی واحد نراق

چکیده

اصل جانشینی (قائم مقامی) که در ماده ۳۰ قانون بیمه ایران مصوب ۱۳۱۶ که برگرفته از قانون بیمه (قدیم) فرانسه است مورد اشاره قرار گرفته، یکی از اصول کاربردی حاکم بر بیمه‌های غرامتی است و بیانگر این مفهوم می‌باشد که هرگاه در اثر عمل زیان بار شخصی -اعم از حقیقی یا حقوقی- غیر از بیمه‌گذار، خطری که مورد پوشش بیمه نامه است به وقوع بپیوندد و از وقوع آن خسارتی ناشی شود و بیمه‌گر حسب قرارداد بیمه مبادرت به جبران آن خسارت نماید، متعاقباً حق خواهد داشت به جانشینی از بیمه‌گذار، برای دریافت مبالغی که پرداخته، به عامل اصلی ورود زیان مراجعه کند. حق جانشینی بیمه‌گر در رجوع به مسئول حادثه، از اصول و قواعد مهمی چون «اصل جبران خسارت»، «جلوگیری از دارا شدن ناعادلانه»، «منع دریافت دو خسارت بابت یک زیان»، «لزوم تحمیل بار نهایی مسئولیت به عهده مسبب اصلی» ناشی شده است. هدف از این پژوهش بررسی گام‌های مثبتی است که توسط قانون‌گذار در فرایند تحولات قانون‌گذاری جهت حمایت از حقوق شخص زیان‌دیده و همچنین حقوق و تعهدات تازه‌ای است که قانون‌گذار در قانون جدید برای هر یک از طرفین بیمه نامه و صندوق تأمین خسارت بدنی شناخته است. مطالعات حاکی از آن است که قانون بیمه اجباری مصوب ۱۳۹۵ دارای تحولات مثبتی از قبیل: گسترش مفهوم وسیله نقلیه، افزایش موارد خارج از شمول بیمه، افزایش موارد رجوع بیمه‌گر به راننده مسبب حادثه، افزایش میزان خسارت قابل استرداد از راننده مرتکب تخلفات حادثه‌ساز، پرداخت خسارت از سوی بیمه‌گر بدون لحاظ دین، تعیین میزان تعهد ریالی بیمه‌گر در قبال زیان‌دیدگان داخل و خارج وسیله نقلیه مسبب حادثه، نحوه پرداخت خسارت بدنی توسط بیمه‌گر و صندوق، بطلان شروط تعلیقی و تحدیدی در قرارداد بیمه، افزایش تعهدات صندوق تأمین خسارت بدنی و... می‌باشد. در این پژوهش سعی بر آن شده با استفاده از روش تحقیق گردآوری کتابخانه‌ای (توصیفی-تحقیقی) به بررسی موارد فوق پرداخته شود.

کلمات کلیدی: قائم مقامی، بیمه‌گر، قانون بیمه اجباری، جبران خسارت

مقدمه

امروزه با توجه به گسترش جوامع و پیشرفت صنعت و فناوری، خطرات و زیان‌های نوظهوری پدید آمده‌اند. حوادث رانندگی از آن جمله خطرات است که همواره قربانیان زیادی به خود می‌گیرد و با عنایت به نقش اساسی خودرو در زندگی کنونی، جوامع از آن مصون نیستند. تعداد فراوان و شدت حوادث رانندگی و به تبع آن، زیان‌های مالی و بدنی ناشی از این‌گونه حوادث ضرورت جبران سریع و کارآمد و همچنین تدارک زیان در فراسوی مرزهای سنتی مسئولیت مدنی را ایجاب می‌کنند. بطوریکه با توجه به حجم بالای قربانیان حوادث رانندگی، نظام مسئولیت مدنی نمیتواند پاسخگوی جبران صدمات وارده و حمایت از خیل آسیب دیدگان ناشی از این‌گونه حوادث باشد. تحقق بخش عمده ای از این نیاز به مدد نظام‌های جبران اجتماعی است، نظام‌های جایگزین یا تکمیلی نظام مسئولیت مدنی همچون نهاد بیمه اجباری و طرح‌های جمعی جبران خسارت همانند صندوق‌های جبران خسارت در اکثر نظام‌های حقوقی تاسیس گردیدند. با این وجود لازم به یادآوری است که بیمه‌های اجباری یا اختیاری و صندوق‌های جبران خسارت، نافی نقش مسئولیت مدنی در جبران خسارت نبوده و نظام مسئولیت مدنی کماکان پابرجاست.

جبران زیان‌های ناشی از حوادث رانندگی چندان شایع و سنگین است که از عهده ی مسئولان خارج است. بیمه ی اجباری مسئولیت دارندگان اتموبیل در برابر دیگران تمهیدی است که برای حمایت از حقوق زیان‌دیده در قوانین کشورها دیده می‌شود. زیان‌دیده می‌تواند با رجوع مستقیم به بیمه‌گر از طرح دعوی بر دارنده ی مسئول بی‌نیاز شود و خطر روبرو شدن با اعسار خوانده را نیز تحمل نکند. همچنین، با استفاده از حق بیمه می‌توان برای جبران خسارت کسانی که مسئول آن را نمی‌شناسند یا مسئولیت خود را بیمه نکرده‌اند، نهادی تاسیس کرد و حمایت از زیان‌دیده را کامل ساخت. تحقق بخش عمده ای از این نیاز به مدد نظام‌های جبران اجتماعی است، نظام‌های جایگزین یا تکمیلی نظام مسئولیت مدنی همچون بیمه اجباری و طرح‌های جمعی جبران خسارت همانند صندوق‌های جبران خسارت در اکثر نظام‌های حقوقی تاسیس گردیدند.

قانون اصلاح قانون بیمه اجباری مسئولیت مدنی دارندگان وسایل نقلیه موتوری زمینی در مقابل شخص ثالث با هدف عمده توسعه حمایت از زیان دیدگان حوادث رانندگی، گسترش حمایت از صنعت بیمه کشور و قضاذایی و تسهیل روند رسیدگی به دعاوی راجع به مسئولیت ناشی از حوادث رانندگی و پرداخت خسارات بدنی و مالی زیان دیدگان حوادث رانندگی و نهایتاً ایجاد ساز و کار تعامل و همکاری میان بخشی بین دستگاه‌ها و ساختارهای رسمی مجری قانون و ایجاد تضمین‌های لازم جهت اجرای قانون، گام‌های موثری در جهت پاسخگویی به نیازهای حقوقی، اجتماعی و اقتصادی جامعه برداشته است، که می‌تواند مورد استفاده نهادهای حقوقی قرار گیرد.

پیشینه تحقیق

با توجه به تصویب اخیر قانون بیمه اجباری در مجلس و نو بودن پژوهش حاضر، در باره این قانون پژوهش‌چندانی صورت نگرفته است و غالب پژوهش‌های حاضر به بررسی قانون بیمه اجباری مسئولیت مدنی دارندگان وسیله نقلیه موتوری زمینی در مقابل شخص ثالث سال ۱۳۸۷ و ۱۳۴۷ می‌پردازند. در زیر به چند مورد اشاره می‌شود:

- ره پیک (۱۳۸۹)، در مقاله ای با عنوان ((مسئولیت مدنی دارندگان وسایل نقلیه بر اساس قانون بیمه اجباری مصوب سال ۱۳۸۷ در مقایسه با قانون مصوب ۱۳۴۷)) در مجله حقوقی دادگستری (علمی پژوهشی) به شماره ۷۴؛ آورده: قانون جدید تحولاتی قابل توجه نسبت به قانون سابق داشته و جنبه‌های حمایت از اشخاص ثالث را افزایش داده است. گسترش مصادیق اشخاص، کاهش موارد خارج از قلمرو بیمه و الزام به پذیرش بیمه نامه در دادگاه بعنوان وثیقه از جمله این تحولات است.

- بهرامی احمدی (۱۳۸۷)، در مقاله ای با عنوان ((تحلیلی بر قانون بیمه اجباری وسایل نقلیه موتوری زمینی در برابر اشخاص ثالث مصوب سال ۱۳۴۷ و اصلاحیه قانون مزبور، مصوب سال ۱۳۸۷)) در پژوهش‌های تعلیم و تربیت اسلامی به شماره ۳؛ بیان می‌دارد: با تصویب قانون بیمه اجباری مسئولیت مدنی دارندگان وسایل نقلیه موتوری زمینی در مقابل اشخاص ثالث مصوب ۱۳۴۷، مبنای قانون مسئولیت مدنی مصوب سال ۱۳۳۹ از تقصیر به مسئولیت موضوعی تغییر پیدا کرد. قانون

اصلاحیه آن که در تابستان سال جاری (۱۳۸۷) به تصویب رسید، این دگرگونی حقوقی را ادامه داد و تحولی را در حقوق مسئولیت مدنی ایران بوجود آورد. این قانون مسئولیت محض را در حقوق تثبیت نموده است.

-سید حسین صفایی، احمد فرهانی (۱۳۹۲)، در مقاله ای با عنوان ((هست ها و باید ها)) در فصلنامه مطالعات پژوهشی، سال سوم-شماره ۸، به بررسی برخی نقائص و ابهامات در قانون بیمه اجباری مصوب ۸۷ از جمله ابهام در نوع مسئولیت دارنده، تعهد بیمه‌گر در خصوص مبالغ مازاد بر دیه، مرجع رسمی اجرای اسناد مربوط به مطالبات صندوق تأمین خسارت‌های بدنی، نقش و سمت بیمه‌گر یا صندوق دعاوی مربوط به حوادث رانندگی... از جمله نقطه ضعف آن می‌باشد پرداخته که در حوزه اجراء، معضلاتی را برای مجریان و مخاطبان ایجاد کرده است.

-رضا معبودی نیشابوری و مریم حداد خداپرست (۱۳۹۲)، در مقاله ای با عنوان ((مبنای مسئولیت مدنی دارندگان وسیله نقلیه در قانون بیمه اجباری)) در پژوهشنامه بیمه به سال بیست و نهم شماره یک؛ به بررسی و تحلیل مبنای مسئولیت مدنی دارنده در قانون سابق و قانون جدید (۸۷) که با توجه به هدف قانون‌گذار که در جهت حمایت بیشتر از زیان دیدگان بوده پرداخته شده است که مبنای مسئولیت دارنده را مسئولیت مطلق شمرده که متأسفانه در رویه قضایی همچنان از نظریه تقصیر پیروی شده است.

سوالات تحقیق

۱. سوال اصلی

قائم مقامی بیمه‌گر در قوانین بیمه چه تحولاتی داشته است؟

۲. سوالات فرعی

۱- قائم مقامی چه نقشی در سلسله مراتب نظام‌های جبران خسارت دارد؟

۲- گستره قائم مقامی بیمه‌گر در قانون بیمه اجباری تا چه میزان است؟

فرضیه‌های تحقیق

۱. فرضیه اصلی

قائم مقامی بیمه‌گر در قانون بیمه اجباری دارای تحولات و نوآوری‌هایی در زمینه‌های تحولات رجوعی نسبت به بیمه‌گر، شرکت‌های بیمه و تحولات ماده ۴ مصوب ۹۵ بوده است.

۲. فرضیه فرعی

-قائم مقامی بیمه‌گر در رجوع به مسئول حادثه، می‌تواند از دریافت دو خسارت بابت یک زیان جلوگیری نماید.
-گستره قائم مقامی بیمه‌گر در قانون بیمه اجباری به محض پرداخت به زیان‌دیده به نسبت سقف پرداختی در مراجعه به مسئول حادثه خواهد بود.

اهداف تحقیق

- بررسی و تبیین آثار اصل جانشینی یا قائم مقامی بیمه‌گر
- تسهیل و تسریع در جبران خسارت از زیان‌دیده

روش تحقیق

به منظور گردآوری اطلاعات از روش کتابخانه‌ای (کتابخانه و اینترنت و مجلات تخصصی و فصلنامه‌های علمی) استفاده شده است.

گفتار اول - قائم مقامی

قائم مقام در لغت به معنای جانشینی و نایب استعمال می‌گردد. در حقوق: برخی از دانشمندان حقوق در تعریف ان بیان می‌دارند که قائم مقام شخصی است به جانشینی اصیل حقوق و تکالیفی پیدا می‌کند خواه برای اجرای هدف او کار کند مانند نماینده همچنان که در ماده ۳۹۵ و ۴۱۰ قانون تجارت آمده است. ماده ۳۹۵ (قائم مقام تجاری کسی است که رئیس تجارت خانه او را برای انجام کلیه امور مربوط به تجارت خانه یا یکی از شعب ان نایب خود قراردادده و امضای او برای تجارتخانه الزام آور است. سمت مزبور ممکن است کتبا داده شود یا عملاً)) یا برای اجرای هدف خو کار کند مانند وراث نسبت به ترکه یا خریدار نسبت به مبیع و فرقی نمی‌کند قائم مقام و کسی که دارای قائم مقام شده هر دو زنده باشند و در حال حیات باشند یا فقط قائم مقام زنده باشد^۱ قانون‌گذار نیز در مصادیقی که به دست می‌دهد همچون تعریف فوق قائم مقام و نماینده را خلط نموده است و تعریف مشخص و دقیقی از ان ارائه نموده است و در جایی دیگر به طور مثال در ماد ۲۱۹ و ۲۳۱ قانون مدنی قائم مقام را جانشین می‌شناسد.

گفتار دوم - قائم مقامی عام

قائم مقامی عام در فرضی بروز می‌نماید که تمامی حقوق و تعهدهای یک فرد (به غیر از حقوق و تعهداتی که قائم به شخص است) به دیگری منقل شده و فرد اخیر به صورت کلی جانشین فرد اول می‌گردد در تعریف قائم مقام عام گفته شده است: کسی است که کل دارایی دیگری یا قسمت مشاعی از ان به او منتقل شده باشد مانند وراث نسبت به مورث در ترکه^۲، برخی نیز گفته اند که قائم مقام عام کسی است که در کلیه حقوق و تکالیف شخص جای گزین او می‌گردد^۳ مصادیقی از قائم مقامی عام به شرح ذیل است:

۱- وراث: اولین و مهم ترین مصداق قائم مقام عام وراث هستند می‌دانیم که وقتی یک فرد فوت کند کلیه دارایی او (غیر از حقوق و تعهداتی که مقید به شخص او باشد) به وراثش منتقل می‌گردد بنابراین وراث جانشین متوفی نسبت به حقوق و تکالیف او شده و از جمله در مورد آثار قراردادهای منعقد شده توسط متوفی نیز این وراث هستند که قائم مقام نامبرده بوده و حقوق و تکالیف ناشی از قرارداد به انان انتقال خواهد یافت.

۲- موصی له: برخی از حقوقدانان کشورمان از موصی له نیز به عنوان قائم مقام متوفی یاد می‌کنند و حتی او را در ردیف وراث متوفی قرار می‌دهند و ظاهراً نظر به این دارند که موصی له که سهم مشاعی از ترکه برای او وصیت شده نسبت به سهم مزبور قائم مقام عام متوفی هستند^۴.

۳- طلبکاران: مصداق دیگری که در بحث قائم مقامی مورد توجه قرار می‌گیرد طلبکاران هستند که در حقوق ایران مسئله قائم مقامی آنها مورد تردید و محل تامل است تعدادی از حقوقدانان کشور مان طلبکار را از مصادیق قائم مقام برشمرده و در این راه چنین استدلال کرده اند که طلبکار از کلیه تعهداتی که به نفع بدهکار به عمل آمده منتفع شده و در عین حال ملزم است که تعهدات به عمل آمده توسط او را نیز محترم شمارند و لذا او نیز قائم مقام بدهکار است. برای مثال نیز به مسئله تاجر ورشکسته و اینکه اموال او متعلق حق طلبکاران قرار می‌گیرد اشاره نموده اند^۵ برخی دیگر نیز ضمن اینکه مطالب فوق را مورد تایید قراردادده اند اعتقاد دارند که این قائم مقامی که اعمال ان توسط مدیر تصفیه صورت می‌پذیرد از نوع قائم مقامی عام است زیرا اداره همه اموال شخص بدهکار را در بر می‌گیرد^۶ علاوه بر این گفته شده که چون تصرفات مدیون در اموالش باعث افزوده یا کاسته شدن دارائی او شده و از طرفی طلبکاری که بدون دریافت وثیقه عینی تنها دارایی مدیون را وثیقه طلب خود دارد از

۱ - جعفری لنگرودی، محمد جعفر، ترمینولوژی حقوق، تهران: گنج دانش، جلد اول، چ ۱، ص ۵۰۹

۲ - لنگرودی، محمد جعفر، ترمینولوژی حقوق

۳ - صفایی، حسین، دوره مقدماتی حقوق مدنی، جلد ۲، ص ۱۶۷

۴ - امامی، سید حسن، حقوق مدنی، جلد ۱ و ۲

۵ - امامی، سید حسن، حقوق مدنی جلد ۱ و ۲

۶ - شهیدی، سید مهدی، آثار قراردادها و تعهدات، جلد اول، ص ۱۴۵

این اقدامات مدیون متاثر می‌شود (چون کم‌وزیاد شدن دارائی مدیون در هر حال نسبت به طلبکار موثر است) لذا بایستی پذیرفت که در مواردی حق دارد که به جای مدیون طرح دعوی نماید یا ابطال عقود را که توسط او واقع شده است را بخواهد. همین امر سبب شده است تا بسیاری از نویسندگان طلبکار را نیز قائم مقام مدیون به حساب آورند.

گفتار سوم - قائم مقامی خاص

در تعریف قائم مقام خاص غالباً گفته می‌شود کسی است که مال یا حق معینی به وی می‌رسد؛ بنابراین خریدار نسبت به مبیع و متهب نسب به عین موهوب قائم مقام خاص فروشنده و بخشنده محسوب می‌شوند؛ اما این تعریف و توصیف برای بیان مفهوم قائم مقام خاص متعاقبین یا قائم مقامی در سرایت اثار قراردادها رسا و کافی نیست. پس در تعریف این گروه از قائم مقامان می‌توان گفت: اشخاصی هستند که بواسطه انتقال مال یا حق معینی اثار قراردادهایی که انتقال دهنده قبلاً در مورد مال یا حق مورد انتقال با دیگری منعقد نموده به آنها سرایت می‌کند. براین اساس خریدار نه در مورد خود مبیع بلکه در باره آثار قراردادهایی که فروشنده قبل از مبیع با دیگران بسته قائم مقام خاص وی محسوب می‌شود. موضوع قائم مقامی منتقل الیه نسبت به اثار قراردادهای انتقال دهنده در مال مورد انتقال هنگامی مطرح می‌شود که شرایط زیر وجود داشته باشد:

۱- انتقال دهنده در باره مال مورد واگذاری عقدی را با شخص دیگری منعقد کرده و از آن عقد حقوق یا تعهداتی له یا علیه وی ایجاد شده باشد. باید خاطر نشان کرد که منظور عقدی است که با مال موضوع انتقال ارتباط و پیوند داشته و شامل قراردادهای دیگری که ارتباطی با مال مورد معامله ندارند نمی‌شود. برای مثال چنانچه بایع قبل از فروش مبیع مبلغی را از دیگری قرض نماید اثر عقد قرض به منتقل الیه (خریدار) نمی‌رسد هرچند به واسطه قرض وثیقه عامی برای طلبکار برای اموال بدهکار ایجاد شده و مال مزبور هم در شمول این وثیقه قرار گرفته باشد زیرا عقد قرض مزبور ارتباطی با مبیع ندارد؛ اما چنانچه با بایع قبل از بیع حق ارتفاقی در مبیع به نفع دیگری ایجاد کرده باشد چون این حق با مبیع کاملاً مرتبط است تعهد به رعایت حق ارتفاق به همراه مبیع به خریدار سرایت می‌کند.

۲- قرارداد ناقل مقدم بر انتقال مال به منتقل الیه باشد؛ بنابراین اگر بایع پس از عقد بیع قراردادی با دیگری در رابطه با مبیع منعقد نماید اثار این قرارداد که موخر بر انتقال مبیع به خریدار بوده به مشتری سرایت پیدا می‌کند.

مبحث دوم - ماهیت و مبانی قائم مقامی بیمه‌گر

طبیعی است که حق رجوع به عامل زیان توسط بیمه‌گر هنگامی مجاز است که اصولاً پرداختی مطابق مفاد و شرایط بیمه صورت گرفته و از سوی دیگر، وفق قواعد مسئولیت مدنی به مفهوم اعم، شخص مسئول، قابل شناسایی باشد، فقدان یکی از موارد فوق به معنی ممتنع بودن طرح دعوی قائم مقامی از سوی بیمه‌گر خواهد بود.

گفتار اول - ماهیت قائم مقامی بیمه‌گر

ماده ۳۰ قانون بیمه ۱۳۱۶ قائم مقامی را چنین بیان نموده است: "بیمه‌گر در حدودی که خسارات وارده را قبول یا پرداخت می‌کند در مقابل اشخاصی که مسئول وقوع حادثه یا خسارت هستند، قائم مقام بیمه‌گذار خواهد بود و اگر بیمه‌گذار اقدامی کند که منافی با عقد مزبور باشد در مقابل بیمه‌گر مسئول شناخته می‌شود." بطور کلی، وقتی به شخصی زیانی وارد می‌شود، عامل زیان، مطابق قواعد مسئولیت مدنی ملتزم به جبران آن خواهد بود (ماده ۱ ق.م.م.) و زیان دیده می‌تواند برای جبران خسارت وارده به او رجوع کند، اما اگر این زیان قبلاً تحت پوشش بیمه قرار گرفته باشد، برای زیان دیده دو حق ایجاد می‌شود. یکی رجوع به عامل زیان بر اساس قواعد مسئولیت مدنی و دیگری رجوع به بیمه‌گر بر اساس قرارداد میان او و بیمه‌گر. در عین حال زیان دیده می‌تواند هر دو حق را جمع کند؛ یعنی هم به عامل زیان و هم به بیمه‌گر رجوع کند اما در نهایت خسارت فقط تا حد زیان وارده جبران خواهد شد و زیان دیده حق دریافت مازاد بر خسارت را ندارد زیرا جمع این دو حق با اصول شناخته شده حقوق مسئولیت مدنی و حقوق بیمه، یعنی اصل جبران ضرر در مسئولیت مدنی و اصل غرامت در حقوق بیمه مغایرت دارد. انگیزه اصلی از این اصل آنست که پس از وقوع خطر و ورود خسارت، بیمه‌گذار می‌تواند خسارت وارده را از مسئول حادثه

و یا شرکت بیمه، مطالبه کند. ولی در عین حال نمی تواند از هر دو مرجع مطالبه خسارت کند. اگر بیمه‌گذار کلیه خسارت خود را از مسبب یا مسئول حادثه دریافت کند دیگر حقی برای مراجعه به بیمه‌گر ندارد. همچنین اگر بیمه‌گر خسارت وارده را پرداخت کرد، بیمه‌گذار تا سقفی که خسارت را از بیمه‌گر دریافت کرده است حق مراجعه به مسئول حادثه را ندارد.

هدف قواعد مسئولیت مدنی، جبران ضرر زیان‌دیده است نه وسیله سوداگری؛ بنابراین، اگر به هر طریقی خسارت زیان‌دیده جبران شده باشد مسئولیت مدنی هم به دنبال آن از بین می‌رود و زیان‌دیده نمی تواند به عامل زیان رجوع کند. به بیان دیگر یکی از شرایط مسئولیت مدنی این است که ضرر وارده جبران نشده باشد.^۷ در خصوص ماهیت حقوقی استرداد مبالغ پرداختی توسط بیمه‌گر، نظرات مختلفی ارائه شده است. لیکن چنانچه اقدامات منافی عقد یمه پس از پرداخت بیمه‌گر صورت گیرد، بعنوان نقض تعهد بیمه‌گذار، موجب تحقق مسئولیت قراردادی وی شده و کلیه خسارات وارده قابل مطالبه می‌باشد. همانگونه که دعوی قائم مقامی بیمه‌گر ارتباطی با ایفاء ناروا ندارد، مطالبه مبلغ پرداخت شده و خسارات وارده به بیمه‌گر در شرایط وجود قرارداد بیمه و نقض تعهدات مندرج در آن نمی تواند مستند به ایفای ناروا باشد.

گفتار دوم - مبانی و اصول قائم مقامی

دکترین، جمع چند وسیله جبران ضرر را منع نموده و از آن بعنوان اصل یاد می‌کنند. لذا در هر مورد به هر طریقی از زیان‌دیده جبران خسارت شود، ضرر از بین می‌رود و دوباره نمی توان آن را مطالبه کرد؛ بنابراین در موردی که چند تن خسارتی را وارد کرده اندیا قانون‌گذار چند نفر را بطور تضامنی مسئول جبران خسارت می‌داند، گرفتن خسارت از یکی، دیگران را بری می‌کند و در هیچ حالتی زیان‌دیده حق ندارد ضرری را دوباره بگیرد. در بعضی از نظام‌های حقوقی، نظیر انگلستان و آمریکا و قسمت هایی از کانادا دکترین قائم مقامی مبتنی بر قاعده انصاف است، بدین توضیح که مقتضای این قاعده، جلوگیری از پرداخت اضافی به بیمه‌گذار به منظور جلوگیری از دارا شدن بلا جهت وی می‌باشد، بدین معنا که بیمه‌گذار نمی تواند به قیمت متضرر شدن بیمه‌گر وجوهی اضافی تحصیل نماید؛ بنابراین اعمال یا عدم اعمال آن در موارد مختلف را ناشی از ملاحظات مربوط به وجدان و انصاف می‌دانند تا جایی که این حق بیمه‌گر را خارج از روابط قراردادی و نسبی طرفین (بیمه‌گر و بیمه‌گذار) تفسیر نموده و آن را منبعت از ماهیت قرارداد بیمه بعنوان قرارداد جبران خسارت می‌شناسند. در قانون مدنی ایران نیز، ماده ۳۱۸ در خصوص مال مغضوب تلف شده توسط یکی از غاصبین متعدد، ناظر بر همین مطلب است و در آنجا حکم به استقرار نهایی ضمان بر عهده غاصبی می‌نماید که مال در ید او تلف شده است.^۸ بر مبنای تحلیل دیگر، بیمه‌گر دین مسئول حادثه را نمی پردازد، بلکه برای خود اقدام می‌کند و عوض مالی را که به دست آورده است، می‌پردازد. به همین دلیل، دین عامل زیان ساقط نگردیده است و تنها به جهت پرداخت بیمه‌گر، مطابق مفاد قرارداد و حکم قانون‌گذار طلب زیان‌دیده به بیمه‌گر منتقل و او بعنوان قائم مقام، حق رجوع به مدیون اصلی را دارد. قائم مقامی بیمه‌گر در اثر پرداخت، ریشه در قصد مشترک طرفین قرارداد بیمه، ماهیت تعهد قراردادی بیمه‌گر مبنی بر جبران خسارت ذینفع بیمه و انتقال طلب و حقوق بیمه شده از جمله حق طرح دعوی علیه وارد کننده زیان نیز ناشی از حکم قانون‌گذار در شناسایی این شکل از قائم مقامی، جهت در دست گرفتن ابتکار عمل بجای زیان‌دیده در مورد تحمیل بار نهایی جبران خسارت و نهایتاً جلوگیری از معطل ماندن قواعد مسئولیت مدنی و انتفاع عامل زیان دارد.

بند اول - مبانی قائم مقامی

^۷ - کاتوزیان، ناصر، ضمان قهری، جلد چهارم، ص ۱۱۵

^۸ - ماده ۳۱۸ ق.م. " هر گاه مالک رجوع کند به غاصبی که مال مغضوب در ید او تلف شده است آن شخص حق رجوع به غاصب دیگر ندارد ولی اگر به غاصب دیگری غیر آن کسی که مال در ید او تلف شده است رجوع نماید مشارالیه نیز می تواند به کسی که مال در ید او تلف شده است رجوع کند یا به یکی از لاحقین خود رجوع کند تا منتهی شود به کسی که مال در ید او تلف شده است و به طور کلی ضمان بر عهده کسی مستقر است که مال مغضوب در نزد او تلف شده است."

در نظام حقوقی ایران استرداد مبالغ پرداخت شده توسط بیمه‌گر و رجوع وی به عامل زیان از طریق طرح دعوی قائم مقامی، شیوه ای است که بعنوان عرف مسلم بیمه ای مورد تایید قانون‌گذار و دکتترین قرار می‌گیرد. چنین حمایتی از نظریه قائم مقامی بیمه‌گر در رجوع به وارد کننده زیان، با هدف دفع ضرر از وی، حفظ منابع مالی، جلوگیری از برهم خوردن محاسبات بیمه‌گر و تضعیف صنعت بیمه، حداقل در شرایطی که امکان رجوع و مطالبه خسارت از عامل زیان وجود دارد و در نهایت ارتقاء بهره‌وری فعالیت بیمه‌گر، بعنوان فعالیت تجاری، صورت می‌گیرد. در توجیه این نظریه گفته می‌شود که اگر چه هدف بیمه توزیع ضرر است. با توجه به ماهیت و هدف قرارداد بیمه و مبانی حقوق مسئولیت مدنی در ایران می‌توان گفت که مبانی مذکور در حقوق غرب در حقوق ما نیز قابل تایید است و اتکا حقوق قائم مقام بر حکم قانون‌گذار و قصد مشترک طرفین و تعیین تکلیف نسبت به بقاء یا اسقاط این حق بیمه‌گر و تفسیر شروط راجع به آن براساس این دو در دعاوی مختلف امری مسلم می‌باشد. ضمن اینکه در عمل، شرکت‌های بیمه در زمان پرداخت خسارت به ذینفع با رسیدی که به امضای او می‌رسانند، اقرار وی مبنی بر انتقال کلیه حقوق خود به شرکت بیمه مربوط را اخذ و تأمین می‌نمایند. ضمن اینکه قائم مقامی بیمه‌گر بعنوان اصلی تثبیت یافته در بیمه‌های بازرگانی، خصوصاً بیمه‌های اشیاء پذیرفته شده و اعمال می‌گردد در خصوص بیمه‌های اجتماعی نیز حق رجوع نهاد تأمین اجتماعی در بسیاری از کشورها به رسمیت شناخته شده است. اعمال قاعده قائم مقامی بیمه‌گر، از مشخصه‌های بیمه‌های بازرگانی می‌باشد.

بند دوم - اصول قائم مقامی

اجرای اصول جبران خسارت و بازدارندگی، بطور هم‌زمان و نتیجه فرعی اصل، مبنی بر منع جبران خسارت مضاعف، مستلزم انتخاب قائم مقامی بعنوان مناسب‌ترین راه حل برای بیرون آمدن از سرگردانی تحمیل بار نهایی جبران خسارت بر یکی از دو منبع جبران ضرر یعنی قواعد مسئولیت مدنی و بیمه می‌باشد. اگر بیمه‌گذار کلیه خسارت خود را از مسبب یا مسئول حادثه در یافت کند دیگر حقی برای مراجعه به بیمه‌گر تا سقفی که خسارات را از بیمه‌گر در یافت کرده است حق مراجعه به مسئول حادثه را ندارد. اصل جانشینی در واقع مکمل این دو اصل است و برای جلوگیری از دارا شدن غیر عادلانه بیمه‌گذار می‌گوید همین که بیمه‌گر خسارت وارده را به بیمه‌گذار را جبران کرد کلیه حقوق و منافع بیمه‌گذار در خصوص حادثه به بیمه‌گر منتقل و بیمه‌گر جانشین بیمه‌گذار در مقابل مقصر و مسبب حادثه محسوب می‌شود. در واقع هدف از قرارداد بیمه تأمین خسارات است و بیمه‌گذار نباید از محل قرارداد بیمه مبلغی مازاد بر خسارت وارده دریافت کند. از طرف دیگر مسبب و مقصر حادثه که در اثر بی‌مبالاتی و یا نقض مقررات باعث ورود خسارت می‌شود باید با جبران آن خسارت تاوان اعمال خود را بدهد از این رو بیمه‌گر پس از پرداخت به همان میزان پرداختی قائم مقام و جانشین بیمه‌گذار می‌شود و حق مطالبه آن را از مقصر و مسبب ورود خسارت دارد. چرا که بیمه، قرارداد است و موضوع آن جبران خسارت از بیمه‌گذار است. بنا بر اصل غرامت، بیمه‌گذار نباید از بیمه سود ببرد. بیمه‌گر متعهد به جبران خسارت و برگرداندن وضعیت بیمه‌گذار به وضعیت قبل از حادثه تا سقف تعهدات مندرج در بیمه نامه است؛ بنابراین، جبران خسارت نباید بیمه‌گذار را در وضعی بهتر از وضع پیش از حادثه قرار دهد. این اصل در بیمه‌های اموال و مسئولیت (بیمه‌های زیان یا غرامتی یا بیمه‌های خسارتی) کارایی دارد و در مورد بیمه‌های اشخاص به دلایل مختلف از جمله عدم امکان ارزیابی جان اشخاص به مبلغ معین کاربرد نداشته و اجرا نمی‌شود. از سویی چون در بیمه‌های اشخاص پولی که بیمه‌گر در مقام اجرای تعهد خویش می‌پردازد ارتباطی با میزان خسارت ندارد و کار بیمه‌گذار نوعی سرمایه‌گذاری و ذخیره می‌باشد، بیمه‌گذار می‌تواند از چند بیمه استفاده نموده و مبالغ همه را دریافت دارد. در بیمه‌های زیان، برای جبران خسارت باید: نخست، حادثه مورد بیمه اتفاق افتاده باشد؛ زیرا تنها با وقوع حادثه موضوع بیمه است که بیمه‌گر ملزم به ایفای تعهد خود در قبال بیمه‌گذار میشود و اثبات این موضوع بر عهده بیمه‌گذار است.

دوم، اینکه حادثه موضوع بیمه برای بیمه‌گذار ایجاد خسارت کرده باشد زیرا بروز حادثه بتنهایی، بیمه‌گر را به ایفای تعهدی ملزم نمی‌کند بلکه تنها با حادثه خسارت‌بار مشمول بیمه نامه (و نه حوادث دیگر) است که با وقوع آن بیمه‌گر باید تعهد خود را انجام دهد.

سوم، بین وقوع حادثه و خسارت وارده باید رابطه سببیت وجود داشته باشد، یعنی خسارت، معلول حادثه موضوع بیمه باشد؛ زیرا بیمه‌گر تنها خسارتی را جبران می‌کند که مستقیماً و آشکار ناشی از حادثه موضوع بیمه باشد. برای نمونه اگر مورد بیمه‌ای در مقابل خطر آتش‌سوزی بیمه شده باشد ولی مورد بیمه قبل از وقوع آتش‌سوزی در نتیجه دیگری مثل زلزله ویران شده باشد و حادثه آتش‌سوزی در پی زمین‌لرزه تغییری در میزان خسارت نداده باشد طبعاً بیمه‌گر هم الزامی به جبران خسارت ندارد.

در پایان بیمه‌گذار باید ارزش مورد بیمه را در زمان حادثه اثبات کند.

گفتار اول - پرداخت خسارت توسط بیمه‌گر

اطلاق قائم مقامی به بیمه‌گر موقوف به پرداخت خسارت وفق شرایط قرارداد بیمه خواهد بود. همچنین قانون‌گذار ایران زمان و شرایط تحقق قائم مقامی را صرفاً به پرداخت خسارت وارده محدود نمی‌نماید و قبول خسارت وارده توسط بیمه‌گر رانیز در تحقق قائم مقامی و انتقال حقوق ذی نفع بیمه به بیمه‌گر را موثر تلقی می‌کند. با این وجود روبه عملی بیمه‌گران این است که تنها پس از پرداخت و اخذ رسید و اقرار از سوی ذی نفع مبنی بر انتقال حقوق خود را قائم مقام شناخته و حقوق خود را به اجرا می‌گذارند. در هر صورت قاعده اولی آن است که پرداختن رکن اصلی انتقال حق و تحقق قائم مقامی باشد؛ و تجویز طرق دیگر از سوی قانون‌گذار فرع بوده و در قلمرو قصد مشترک طرفین می‌تواند گسترش یابد.

گفتار دوم - اقامه دعوی مسئولیت علیه ثالث

شرط دیگر ورود خسارت و تحقق مسئولیت ثالث اعم از اینکه مسئولیت قراردادی یا غیر قراردادی باشد. در حقیقت پرداخت بیمه‌گر منوط به ورود ضرر و تحقق ریسک حادثه تحت شمول بیمه بوده است. لیکن به دلیل اتکا دعوی قائم مقامی به دعوی مسئولیت مدنی که توسط اصیل اقامه می‌شود و موضوعیت آن در مورد دعوی قائم مقامی مواردی در خصوص دعوی اصیل قابل ذکر است:

اولاً: مسئولیت ثالث در موضوع حادثه یا ایجاد خسارت باید احراز گردد؛ و با موانعی نظیر قراردادهای تحدید یا سلب مسئولیت نیز مواجه نباشد.

ثانیاً: مسئولیت مورد نظر باقی باشد و حکمی مبنی بر انتفاء آن وجود نداشته باشد.

آثار قائم مقامی

دین ناشی از خسارت وارده شده توسط ثالث مسئول، در برابر بیمه شده زبان دیده، مبنای قائم مقامی را تشکیل می‌دهد. پس دعوی قائم مقامی زمانی ایجاد می‌شود که زمینه یک دعوی مسئولیت پدید آمده باشد. بیمه‌گر با پرداخت خسارت به ذینفع بیمه، در دعوی علیه ثالث مسئول حادثه، قائم مقامی می‌یابد. منظور از ثالث، شخصی غیر از بیمه‌گذار است. در مواردی که بیمه اموال، برای اموال غیر منعقد شده و ذی نفع بیمه شخصی غیر از بیمه‌گذار باشد، هر کسی غیر از ذی نفع بیمه، ثالث محسوب می‌شود حتی اگر مسئول حادثه خود بیمه‌گذار باشد. لذا باید اصطلاح بیمه‌گذار را که در ماده ۳۰ قانون بیمه بکار رفته، به ذی نفع بیمه تفسیر نمود.^۹ چون خسارت مورد پوشش بیمه به وی پرداخت می‌شود و تنها او حق دعوی مسئولیت دارد و قائم مقامی تنها از جانب او مطرح می‌شود. بدون شک، بیمه‌گر نمی‌تواند علیه ذی نفع بیمه که مسئول ورود خسارت است، دعوی قائم مقامی طرح نماید. بطور مثال در موردی که یک شخص، مالک دو کشتی می‌باشد که یک‌یک کشتی‌ها در نتیجه سهل انگاری خدمه آن به دیگری برخورد مینمایند و سبب ورود خسارت به کشتی دیگری می‌شود، در صورتی که بیمه‌گر کشتی صدمه دیده خسارتی بپردازد، نمی‌تواند به ذی نفع بیمه و شخص تحت پوشش خود رجوع نماید، زیرا هیچکس

^۹ - ایزانلو، محسن، نقد و تحلیل قانون اصلاح قانون بیمه اجباری، فصلنامه حقوق، مجله دانشکده ی حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران، دوره ۳۸، شماره ۴، زمستان ۱۳۸۷، ص ۶۲

علیه خود دعوی اقامه نمی کند. در حقوق ایران نیز با وجود کلمه ((قبول)) (و با توجه به تفسیر ارائه شده از ماده ۳۰ قانون بیمه ایران) برای اقامه دعوی جانشینی به شکل اصلی، پرداخت امری ضروری و اجتناب ناپذیر است. پس از پرداخت است که آثار مربوطه قائم مقامی بطور کامل آن مترتب می گردد. مهمترین و اولین اثر آن امکان اخذ وجه خسارت از مسئول حادثه است. اثر دیگر این انتقال طلب و تعهد، امکان مراجعه بیمه گر به کسانی است که با مسئول حادثه مسئولیت مشترک دارند؛ بنابراین ضامن طلب بیمه گذار، مسئول فعل غیر و بیمه گر مسئولیت، همه کسانی هستند که بیمه گر حق رجوع به آنها را پیدا می کند. هنگامی که مسئول، خسارت را به زیان دیده پرداخته باشد با پرداخت خسارت، بدهی ناشی از مسئولیت تصفیه شده و موردی برای طرح دعوی مسئولیت علیه ثالث وجود نخواهد داشت اما در فرضی که پرداختی از سوی بیمه گر صورت گرفته باشد از مصادیق ایفای ناروا محسوب شده و بیمه گر می تواند براساس مواد ۳۰۱ به بعد قانون مدنی به ذینفع بیمه مراجعه و مبالغ پرداختی را از او مسترد دارد.

شروط مخالف قائم مقامی بیمه گر

در بیمه اشیاء چنانچه خسارت وارد به موضوع بیمه نتیجه فعل شخص ثالث باشد، به موجب قانون (ماده ۳۰ قانون بیمه ۱۳۱۶) بیمه گر پس از پرداخت خسارت به بیمه شده، در رجوع به مسوول حادثه قائم مقام بیمه گذار می شود. در بیمه مسئولیت اگرچه بعنوان قاعده، قائم مقامی بیمه گر منتفی است؛ با وجود این، چنانچه ورود خسارت نتیجه عمل شخص ثالثی باشد که بیمه گذار با او مسئولیت تضامنی دارد، یا مسئولیت مدنی فعل او را به عهده دارد؛ بیمه گر در رجوع به این شخص ثالث، قائم مقام زیان دیده و بیمه شده می شود. به طور خلاصه، در تمام انواع بیمه های زمینی که جنبه غرامتی دارند و همچنین در بیمه های دریایی، بیمه گر در رجوع به مسئول حادثه قائم مقام بیمه گذار می شود.

حق رجوع بیمه گر

حق مراجعه به میزان پرداخت به ذی نفع بیمه و مسئولیت وارد کننده خسارت می باشد؛ بنابراین چنانچه بیمه گر در شرایط خاص نظیر شراکت ذی نفع بیمه در ورود ضرر به جبران عاملی دیگر و تقصیر مشترک میزان کمتری پرداخت نماید با وجود اینکه مبلغ کل خسارت وارده به ذی نفع بیمه بیش از خسارت پرداختی بیمه گر باشد و یا مبلغ پرداختی وی بیش تر از میزان خسارتی باشد که در صورت طرح دعوی مسئولیت علیه عامل زیان به آن حکم گردد بیمه گر مستحق دریافت مبلغ کمتر می باشد. به این ترتیب قائم مقام با دو محدودیت مواجه می شود و تنها نسبت به کمترین این دو واقعه (پرداخت و مسئولیت) حق رجوع به وارد کننده زیان را می یابد. قرارداد بیمه وسیله ای برای انتفاع به وارد کننده زیان را قرار نمی دهد. منتها در حدود پرداختی که انجام داده است می تواند مسترد دارد. چرا که قائم مقام از حقوقی بیشتر از اصیل برخوردار نیست. به همین مبنا و بر خلاف دعوی اصیل قائم مقام حق مطالبه هزینه های جانبی که در نتیجه نقل و انتقال این حق به قائم مقام صورت گرفته است را ندارد چرا که اساسا عامل زیان در قبال ذی نفع بیمه مسئول بوده است نه قائم مقام بنابراین این ضرر از وارد کننده زیان ناشی نشده است تا این که او مسئول جبران آن باشد. علاوه بر موارد فوق گاه شرایطی واقع می شود که در مورد رجوع بیمه گر موثر است: از جمله این موارد شرط تحدید مسئولیت وارد کننده زیان: ضمن توافقاتی که میان عامل زیان با بیمه گذار می شود اعم از اینکه قبل یا بعد از پرداخت خسارت توسط بیمه گر باشد که حسب مورد ضمانت اجرای خاص خود را دارد؛ که در محث شروط مخالف قائم مقامی بیمه گر توضیح داده شد اما به صورت خلاصه باید خاطر نشان کرد که در این خصوص بنا بر اظهار نظر برخی از حقوقدانان از انجایی که چنین شرطی از ریسک های بیمه محسوب می شود بیمه گر مکلف است به اعلام آن در هنگام انعقاد قرارداد بیمه می باشد. در غیر این صورت چنانچه این شرط در هنگام انعقاد قرارداد بیمه وجود داشته باشد لیکن بیمه گذار از اعلام آن خوداری نماید وفق ماده ۱۲ قانون بیمه عقد بیمه باطل می باشد. به همین ترتیب چنانچه قرارداد ناظر به تحدید یا سلب مسئولیت در جریان اجرای قرارداد بیمه منعقد گردد بیمه گذار مکلف به اعلام تشدید خطر مطابق و در مواعد زمانی مقرر در ماده ۱۶ قانون بیمه خواهد بود و در صورت تخلف از تکالیف مقرر در ماده موصوف متکفل ضمانت اجرای مقرر در ماده موصوف را را دارا خواهد بود؛ اما فرض آخر در صورتی است که بیمه گر پس از دریافت بیمه

از بیمه‌گذار نسبت به تحدید یا سلب مسئولیت عامل زیان اقدام ورزد که این امر مطابق بند آخر ماده ۳۰ قانون بیمه بوده و موجب ضمان برای بیمه‌گذار می‌باشد.^{۱۰}

طرح دعوی قائم مقامی

از جمله حقوق انتقال یافته به بیمه‌گر به دنبال پرداخت بیمه و همزمان با آن حق طرح دعوی علیه مسئول حادثه می‌باشد. از این رو بیمه‌گر در حدود پرداخت انجام شده قائم مقام ذی نفع بیمه می‌شود. حال احتمال این سوال است که آیا طرح دعوی نسبت به کل خسارت اعم از خسارت پرداختی و غیر آن توسط ذی نفع دعوا امکان پذیر است؟ به عبارت دیگر آیا امکان تفویض یا انتقال دعوی قائم مقامی بیمه‌گر امکان پذیر است؟ پاسخ این پرسش ارتباط مستحکمی با تحلیل ماهیت قائم مقامی بیمه‌گر و امری و تخییری بودن قائم مقامی قانونی بیمه‌گر دارد و در صورت پذیرش ماهیت دو گانه قائم مقامی و جدایی دو عنصر پرداخت و انتقال طلب و حقوق بیمه‌گر از یک سو و حاکمیت اراده طرفین در شروط راجع به نحوه تحقق قائم مقامی و به اجرا گذاردن حقوق ناشی از آن از سوی دیگر می‌توان به سوال مطروحه پاسخ مثبت داد. در عین حال بیمه‌گر می‌تواند از این انتقال به نفع خود صرف نظر نماید و آن را اسقاط نموده یا از به اجرا در آوردن آن امتناع نماید این حق را نیز خواهد داشت که با توافق ذی نفع وی را مکلف نماید که بعد از طرح دعوی مسئولیت و صدور حکم و اجرای آن از محل محکوم به دریافتی حقوق بیمه‌گر را به وی مسترد دارد. در چنین شیوه ای بیمه‌گر از صرف وقت و هزینه نیز مبری می‌گردد و فرصت برای ورود خسارت ناشی از اطاله دادرسی مسئولیت مدنی به عامل زیان نخواهد داد. نکته قابل بحث دیگر راجع به هزینه دادرسی در اقامه دعوا توسط بیمه‌گر است. در این خصوص باید اذعان داشت که اگر در بیمه نامه بیمه‌گر اقامه دعوا را بر عهده داشته باشد خود مکلف به پرداخت هزینه هاست و بر عکس چنانچه بیمه‌گذار طرح دعوا را بر عهده داشته باشد او متحمل پرداخت هزینه ها می‌شود.

بند اول - شرط تحقق مسئولیت

مواردی همچون عدم اجرای تعهدات قراردادی یا تاخیر اجرای آن و ارتکاب تقصیر و ورود خسارت و وجود رابطه سببیت بین فعل زیانبار و... از موضوع تحقیق خارج است به آنها نمی‌پردازیم و تنها یاد آور می‌شویم که مقصود از ثالث هر شخص غیر از ذی نفع بیمه می‌باشد؛ بنابراین به کار بردن لفظ قائم مقامی بیمه‌گر از بیمه‌گذار توسط قانون‌گذار در ماده ۳۰ قانون بیمه مصوب ۱۳۱۶ ناشی از مسامحه بود و مربوط به مورد اغلب است. در حالی که در بسیاری از موارد بیمه‌گذار ذی نفع نیست همچنانکه در بیمه دیون ذی نفع شخصی غیر از بیمه‌گذار است. لذا در چنین فرضی احتمال اطلاق ثالث و مسئول حادثه به بیمه‌گذار نیز وجود دارد. نتیجتاً اینکه استعمال لفظ ذی نفع بیمه می‌توانست دقیق تر و در برگیرنده ی همه فروض باشد. این امر بدیهی است که بدون شک بیمه‌گر نمی‌تواند علیه ذی نفع بیمه مسئول ورود خسارت می‌باشد دعوی قائم مقامی مطرح نماید.^{۱۱} به طور مثال در موردی که یک شخص مالک دو کشتی می‌باشد که یکی از کشتی‌ها در نتیجه سهل انگاری خدمه ی آن به دیگری برخورد نماید و سبب ورود خسارت به کشتی دیگری می‌شود در صورتی که بیمه‌گر کشتی صدمه دیده خسارتی بپردازد نمی‌تواند به ذی نفع بیمه شخص تحت پوشش خود رجوع نماید چرا که هیچ کس علیه خود اقامه دعوا نمی‌کند.

بند دوم - باقی بودن مسئولیت

از عواملی نظیر پرداخت خسارت توسط وارد کننده زیان -مرور زمان- مصالحه و ابرا زیان دیده بحث می‌شود. مرور زمان: عبارت است گذشتن مدتی که به موجب قانون با انقضای آن دعوا به شرط ایراد خواننده در اولین جلسه دادرسی مسموع نخواهد بود.^{۱۲}

^{۱۰} - بابایی، ایرج، حقوق بیمه، جلد پنجم، ص ۱۶۴

^{۱۱} - کریمی، آیت، بیمه اموال و مسئولیت، جلد دوم، ص ۶۵

^{۱۲} - شمس، عبدآیین دادرسی مدنی، ۱۳۸۹، تهران: دراک، چ ۲۲، ص ۷۵

در نظام حقوقی فعلی، دعاوی حقوقی مشمول مرور زمان نگردیده و با وجود ایراد خواننده و عدم استماع دعوا مواجه نمی شوند به تبع دعاوی اصیل دعوی قائم مقام نیز با چنین ایرادی مردود اعلام نخواهد شد. بدیهی است در نظام‌های حقوقی دیگر با توجه به مقررات جاری آن‌ها و در نظام‌هایی که با تغییر سیاست مرور زمان را معتبر تلقی نمایند مرور زمان می‌تواند یکی از موانع اقامه دعاوی اصیل و به تبع آن مانع اقامه دعوی قائم مقامی گردد.

جبران خسارت توسط عامل زیان: جبران خسارت توسط عامل زیان و ابراء و مصالح ذی نفع بیمه با وارد کننده زیان نیز از جمله موانع تحقق دعاوی قائم مقامی است. در خصوص مصالحه و پرداخت زیان (توسط عامل زیان) و ابراء عامل زیان با ذی نفع قبل از پرداخت بیمه‌گر: بیمه‌گر می‌تواند در صورت آگاهی یا دستیابی به مدارک از پرداخت خسارت امتناع نماید^{۱۳}؛ اما اگر بیمه‌گر بدون آگاهی از پرداخت (عامل زیان) یا مصالحه منعقد یا ابراء ذی نفع خسارت وارده را در چهار چوب تعهدات قراردادی خود پرداخت نماید یا در مواردی که مصالحه یا پرداخت عامل زیان موخر بر پرداخت بیمه‌گر باشد به لحاظ سقوط مسئولیت وارد کننده امکان طرح دعاوی قائم مقامی به تبع انتفاع دعوی اصلی وجود نخواهد داشت؛ اما اقدامات اخیر الذکر تحت عنوان اعمال منافی عقد بیمه و حقوق بیمه‌گر مورد توجه قانون‌گذار قرار گرفته و واجد ضمانت اجرایی لازم است. در این صورت بیمه‌گذار مسئول جبران خسارات بیمه‌گر خواهد بود.

مبحث دوم - قلمرو قائم مقامی بیمه‌گر

در بحث مربوط به قلمرو قائم مقامی در گفتار اول به بررسی اجرای نظریه قائم مقامی در انواع قراردادهای بیمه که شامل بیمه اموال و مسئولیت بوده پرداخته شده و گستره‌ی مربوط به هر کدام مورد بررسی قرار گرفته و در گفتار مربوط به اشخاص قابل رجوع؛ به این موضوع پرداخته شده که بیمه‌گر بعد از وقوع حادثه بتواند طبق مفاد قرار داد فیما بین به مسئول حادثه مراجعه نموده و طبق شرایط قراردادی به مسبب حادثه رجوع نماید که در اکثر موارد مسئول حادثه می‌تواند شخصی غیر از بیمه‌گذار باشد که اقامه دعوی علیه ثالث را می‌پذیرد.

گفتار اول - اجرایی نظریه قائم مقامی در انواع قراردادهای بیمه

قراردادهای بیمه به موجب خطراتی که تحت پوشش قرار می‌دهند و براساس طبیعت تعهدات قراردادی بین بیمه‌گر و بیمه‌گذار به دو نوع کلی بیمه‌های خسارت و بیمه اشخاص تقسیم می‌شوند نوع اول خود مشتمل بر دو بخش بیمه اموال و مسئولیت بوده و نوع دوم که از آن تحت عنوان بیمه سرمایه نیز یاد می‌شود در برگیرنده اقسامی چون بیم عمر بیمه خسارات جانی و مکمل را شامل می‌شود.

نتیجه‌گیری

قائم مقامی، به مثابه سمت جانشینی یک شخص در موقعیت حقوقی شخصی دیگر است و نمایندگی، سمتی است که به موجب آن شخص به نام و حساب دیگری مبادرت به عمل حقوقی می‌نماید و از این طریق آثار این عمل متوجه اصیل می‌گردد. به این ترتیب آثار قرارداد متوجه قائم مقام می‌شود در حالی که نماینده عقد را تشکیل می‌دهد و آثار عقد متوجه وی نمی‌گردد. قانون‌گذار گاهی قائم مقامی و نمایندگی را بجای یکدیگر استعمال نموده که این موارد نیاز به اصلاح دارند؛ مانند ماده ۳۹۵ قانون تجارت که نمایندگی را بجای قائم مقامی استعمال نموده است.

-قواعد حقوقی نظیر ((لا ضرر)) و ((منع سوء استفاده از حق)) نیز می‌توانند از مبانی تایید رجوع بیمه‌گر به قائم مقامی، وضع مجدد رجوع ذی نفع بیمه به عامل زیان باشد.

-موانع قائم مقامی به قانونی و قراردادی تقسیم شده که به ترتیب موضوع مصونیت برخی از اشخاص از رجوع بیمه‌گر و بحث شرط مخالف قائم مقامی در آنها مطرح می‌شود. شرط مخالف قائم مقامی بی شک صحیح شناخته می‌شود و اما در مورد موانع

^{۱۳} -کاتوزیان، ناصر، ضمان قهری، جلد چهارم، ص ۱۱۵

قانونی گفته شده عرف اقامه دعوی بیمه‌گذار یا بیمه‌گر را علیه افراد تحت تکفل نکوهیده می‌داند؛ زیرا علی‌الاصول هیچ کس به دلیل رفتار غیر عمدی شخص تحت تکفل خویش علیه او دعوی اقامه نمی‌کند.

-در این رجوع، بیمه‌گر در حدود پرداختی که انجام داده ذینفع می‌باشد و مازاد بر آن متعلق به زیان‌دیده است. در عین حال، حق زیان‌دیده (بیمه‌گذار) در مطالبه و دریافت خسارات غیر تحت پوشش و جبران نشده از عامل زیان به جای خود باقی است و بیمه‌گر در این حدود حق رقابت با بیمه‌گذار را نخواهد داشت.

-به رغم آنکه، قانون جدید تمام خسارت‌های قابل جبران را پوشش نمی‌دهد، ولی در مقایسه با قانون سابق متضمن تحولات چشمگیری است. پذیرش مسئولیت نوعی یا همان نظریه ی خطر بعنوان مبنای تعیین مسئولیت مدنی در حوادث رانندگی بسیار مطلوب است. در مورد دامنه ی خسارت‌های قابل جبران، تحولات قانون جدید بیشتر ملموس است. این قانون با در هم نوردیدن اختلاف نظرهای شدید فقهی، حقوقی در مورد امکان پرداخت هزینه‌های معالجه مازاد بر دیه و ارش، تمام این هزینه ها را در کنار دیه و ارش با توجیهی مبتنی بر ضمان قراردادی، قابل جبران می‌داند.

-قانون اصلاح قانون بیمه اجباری مسئولیت مدنی دارندگان وسایل نقلیه موتوری زمینی در مقابل شخص ثالث با هدف عمده توسعه حمایت از زیان دیدگان حوادث رانندگی، گسترش حمایت از صنعت بیمه کشور و قضاذایی و تسهیل روند رسیدگی به دعاوی راجع به مسئولیت ناشی از حوادث رانندگی و پرداخت خسارات بدنی و مالی زیان دیدگان حوادث رانندگی و نهایتاً ایجاد ساز و کار تعامل و همکاری میان بخشی بین دستگاه ها و ساختارهای رسمی مجری قانون و ایجاد تضمین‌های لازم جهت اجرای قانون، گام‌های موثری در جهت پاسخگویی به نیازهای حقوقی، اجتماعی و اقتصادی جامعه برداشته است که مهمترین نوآوری ها و تحولات این قانون در بحث مربوط به قائم مقامی بیمه‌گر در مقایسه با قانون سابق عبارتند از:

- توسعه ی موارد حق مراجعه بیمه‌گر به مسبب حادثه جهت استرداد خسارت پرداختی

در قانون جدید بیمه اجباری نیز، قانون‌گذار در کنار توسعه حمایت از زیان دیدگان حوادث رانندگی و نتایج افزایش تعهدات شرکت‌های بیمه به حمایت از این صنعت نیز پرداخته است به گونه ای که موارد حق مراجعه بیمه‌گر به مسبب حادثه جهت باز یافت و استرداد خسارت پرداختی را توسعه داده است. بر اساس ماده ۶ قانون جدید علاوه بر شناسایی مجدد حق مراجعه بیمه‌گر به مسبب حادثه در مواردی که حادثه رانندگی ناشی از عمد راننده و یا در صورتی که راننده فاقد گواهینامه رانندگی باشد، در مواردی نیز که حادثه رانندگی در اثر مستی یا استعمال مواد مخدر یا روان گردان واقع شود برای بیمه‌گر حق مراجعه به مسبب حادثه مورد شناسایی مقنن قرار گرفته است. همچنین در حوادث رانندگی منجر به جرح یا فوت که به استناد گزارش کارشناس تصادفات راهنمایی و رانندگی یا پلیس راه، علت اصلی وقوع تصادفات یکی از تخلفات رانندگی حادثه‌ساز باشد بیمه‌گر می‌تواند جهت باز یافت یک درصد از خسارت‌های بدنی و دو درصد از خسارت‌های مالی پرداخت شده، به مسبب حادثه مراجعه نماید (ماده ۵ قانون). حتی ماده ۸ قانون جدید بیمه اجباری، ارتکاب تخلفات حادثه‌ساز را از موجبات و عوامل موثر در تعیین تعرفه حق بیمه قرار داده است. همچنین بموجب آیین نامه تعرفه حق بیمه، نحوه تقسیط و تخفیف در حق بیمه، بیمه شخص ثالث مصوب ۱۳۸۹/۱۲/۸ وزیران عضو کمیسیون امور اجتماعی و دولت الکترونیک، در خصوص آن دسته از بیمه‌گذارانی که در مدت اعتبار بیمه نامه موجب پرداخت خسارت مالی و یا بدنی از محل بیمه نامه شوند به نسبت تعداد حوادث منتهی به ایراد خسارت، هنگام تجدید بیمه نامه علاوه بر محرومیت از تخفیف‌های بیمه ای (که تا ۷۰ درصد مبلغ حق بیمه نیز می‌باشد) حق بیمه آنها تا ۸۰ درصد به نسبت خسارات مالی و تا ۱۰۰ درصد به نسبت خسارات بدنی افزایش می‌یابد.

- رجوع بیمه‌گر و صندوق تأمین به مسئول حادثه

به موجب ماده ۶ در صورت عمد راننده در ایجاد حادثه، یا رانندگی در حل مستی یا استعمال مواد مخدر یا روانگردان موثر در وقوع حادثه و همچنین در فرضی که راننده مسبب فاقد گواهینامه باشد یا گواهینامه او متناسب با وسیله نقلیه نباشد بیمه‌گر موظف است بدون اخذ تضمین خسارت زیان‌دیده را پرداخت کند و پس از آن به قائم مقام زیان‌دیده به مسئول حادثه مراجعه نماید.

- تحولات رجوعی شرکتهای بیمه‌گر

"بموجب تبصره ماده ۱۶ مذکور" در حوادث رانندگی منجر به فوت، شرکت‌های بیمه می‌توانند در صورت توافق با راننده مسبب حادثه و ورثه متوفی، بدون نیاز به رای مرجع قضایی، دیه و دیگر خسارت‌های بدنی وارده را پرداخت کنند". براساس این مواد اشخاص ثالث زیان‌دیده حق دارند با ارایه مدارک لازم برای دریافت خسارت به‌طور مستقیم حسب مورد به شرکت بیمه مربوط یا صندوق تأمین خسارت‌های بدنی مراجعه نمایند. از این پس در امکان اقامه دعوی مستقیم علیه بیمه‌گر هیچ تردیدی وجود ندارد؛ زیرا امکان مراجعه مستقیم، چنانچه مجهز به حق اقامه دعوا نباشد، ارزشی ندارد.

- تحولات رجوعی صندوق تأمین خسارات بدنی

صندوق پس از پرداخت خسارت به زیان‌دیده می‌تواند بر اساس اصل قائم مقامی، جهت بازیافت خسارات پرداخت شده به مسئول حادثه مراجعه کند. در واقع مسئولیت صندوق به جهت حمایت از زیان‌دیده است و به جای مسئول حادثه اقدام به پرداخت می‌کند؛ بدیهی است که بتواند مطالب پرداختی را بازیافت کند. مبالغ دریافتی از این طریق، یکی از منابع مالی صندوق را تشکیل می‌دهد که در بند ج ماده ۱۱ قانون به آن اشاره شده است. در قانون به صراحت به این امر اشاره نشده است لذا پیشنهاد می‌شود این حق برای صندوق به نحو صریح پیش بینی شود که در قانون مصوب سال ۹۵ قانون‌گذار در ماده ۲۴ تبصره ۲ آمده "کلیه درآمدهای منابع موضوع بندهای (ث) و (ج) به محض تحقق به حساب درآمدهای اختصاصی صندوق نزد خزانه داری کل کشور واریز می‌شود و صددرصد (۱۰۰٪) آن به صندوق اختصاص می‌یابد" و همچنین در تبصره ۳ "در صورت کمبود منابع مالی صندوق، دولت موظف است در بودجه سنواتی سال بعد کسری منابع صندوق را تأمین کند." که این تصریح قانونی خلاء قانونی کسری صندوق تأمین را حل می‌نماید. همچنین عدم تصریح قانونی و خلاء ناشی از آن در زمانی که متصرف غیر قانونی وسیله نقلیه که مسئول حادثه بوده فرار نماید و صندوق اقدام به پرداخت کند ولی بعداً وسیله نقلیه مورد شناسایی قرار گیرد صندوق می‌تواند به بیمه‌گری که مسئولیت شخص متواری را پوشش داده است و هم خود شخص راننده، رجوع کند در این صورت این شخص می‌تواند از بیمه‌گر مطالبه خسارات پرداختی را داشته باشد؛ به این استناد که طبق قرارداد بیمه، بیمه‌گر مکلف به پرداخت است بموجب ماده ۱۵ "در موارد زیر بیمه‌گر مکلف است بدون هیچ شرط و اخذ تضمین، خسارت زیان‌دیده را پرداخت کند و پس از آن می‌تواند به قائم مقامی زیان‌دیده از طریق مراجع قانونی برای بازیافت تمام یا بخشی از وجوه پرداخت شده به شخصی که موجب خسارت شده است مراجعه کند.

پیشنهادها

با وجود تصویب قانون جدید بیمه شخص ثالث و با توجه به مطالبی که پیشتر ذکر شد، می‌توان پیشنهادات ذیل را در زمینه اصلاح و تقویت قانون بیمه نامه شخص ثالث و آیین‌نامه‌های مربوطه بیان داشت:

- استفاده از شبکه اینترنت جهت افزایش سرعت پاسخگویی به درخواست‌های مرکز صدور خسارت اتومبیل برای جلوگیری از تخلفات و امال نرخ‌های دقیق حق بیمه برای بیمه‌گذاران لازم استم

- اصلاح شیوه اعمال نرخ‌های تخفیف و جرائم، تفکیک و اعمال خسارت‌های مالی و جانی و مبالغ خسارتی با سوابق بیمه‌ای در هنگام صدور بیمه‌نامه‌های جدید.

- اصلاح ظاهری بیمه‌نامه‌های شخص ثالث به منظور یکسان سازی فرایند صدور بیمه‌ها خصوصاً درک مطالب بیان شده درباره تخفیفات و شرایط خصوصی بیان شده در متن بیمه‌نامه‌ها

- بیان سلیس، روان و یکسان اصطلاحات و لغات بکار رفته در قوانین و مقررات بیمه‌ای و بیمه‌نامه‌های ارائه شده به بیمه‌گذاران برای درک و فهم دقیق و راحت از مسئولیت‌ها و حق و حقوق متقابل

- شخصی سازی بیمه‌نامه‌ها برای افراد (دارندگان خودرو یا دارندگان گواهی نامه رانندگی) به منظور عادلانه تر کردن صدور بیمه‌های شخص ثالث در بازار بیمه ایران.

- تغییر رویکرد ماموریت صندوق تأمین خسارت‌های بدنی بیمه مرکزی در جهت افزایش بیمه‌شدگان در بازه زمانی خاص و اختصاص سرمایه‌های این صندوق به منظور کاهش حق بیمه‌ها با هدف افزایش بیمه‌شدگان.

بند اول - بررسی تبصره یک ماده یک قانون بیمه اجباری سال ۱۳۸۷ بر قانون سابق (۱۳۴۷)

هم در زمان حکومت قانون قدیم و هم در حال حاضر بین حقوق دانان در مورد مبنای مسئولیت مدنی دارندگان اختلاف نظر وجود دارد. تعیین مبنای مسئولیت، مستقیماً بر ارکان آن تاثیر دارد و بر اساس مبنایست که می‌توانیم شرایط تحقق مسئولیت را مشخص کنیم. در حقوق کنونی، علاوه بر ماده ۱ قانون جدید، باید در این زمینه به ماده ۲۶ قانون رسیدگی به تخلفات رانندگی مصوب ۱۳۹۰ نیز توجه کرد: ((در راه‌هایی که برای عبور عابران پیاده علائم، تجهیزات و مسیرهای ویژه اختصاص داده شده است، عابران مکلف اند هنگام عبور از عرض یا طول سواره رو با توجه به علائم راهنمایی و رانندگی نصب شده در محل از نقاط خط کشی شده، گذرگاه‌های غیر همسطح و مسیرهای ویژه استفاده نمایند. هرگاه عابران به تکلیف مذکور عمل ننمایند، در صورت تصادف با وسیله نقلیه، راننده مشروط به اینکه کلیه مقررات را رعایت نموده باشد و قادر به کنترل وسیله نقلیه و جلوگیری از تصادف یا ایجاد خسارت مادی و بدنی نباشد، مسئولیتی نخواهد داشت. عدم مسئولیت راننده مانع استفاده مصدوم یا وراث متوفی از مزایای بیمه نخواهد شد و شرکت بیمه با ارائه قرار منع تعقیب یا حکم برائت راننده ملزم به اجراء تعهدات موضوع بیمه نامه به مصدوم یا وراث متوفی خواهد بود...)). این ماده ناظر به مسئولیت راننده است و تصریح نکرده است که در این فرض دارنده، مسئولیت دارد یا ندارد. با توجه به تبعی بودن مسئولیت بیمه‌گر، به نظر می‌رسد که در این فرض دارنده مسئولیت خواهد داشت و این خود قرینه‌ای بر پذیرش مسئولیت مطلق برای دارنده است. در واقع هدف از اصلاح قانون بیمه اجباری و قانون رسیدگی به تخلفات رانندگی این بوده است که قانون‌گذار با توجه به خطراتی که استفاده از وسیله نقلیه برای دیگران داشته است، تمام دارندگان را مکلف نماید که وسیله خود را در قبال استفاده از آن در مقابل دیگران بیمه کنند. از طرف دیگر حذف قوه قاهره از موارد عدم شمول بیمه نیز خود مویدی بر پذیرش این نظریه است. ماده ۷ قانون جدید تنها مواردی را ذکر نکرده است که با وجود تحقق مسئولیت مدنی، بیمه‌گر مسئولیت ندارد. در صورتی که خسارت در اثر تشعشعات اتمی وارد شود، به نظر می‌رسد که همانند فرض وقوع قوه قاهره رابطه علیت و به طبع آن مسئولیتی محقق نشده است. عبارت دیگر، ماده ۷ قانون جدید اختصاص به مواردی ندارد که بیمه‌گر با وجود تحقق مسئولیت مدنی، تعهدی به جبران خسارت ندارد. لذا قانون‌گذار عامدانه قوه قاهره را در قانون جدید حذف کرده است.

-در صورتی که وسیله نقلیه بیمه شده باشد

در این فرض ممکن است راننده، متصرف قانونی باشد یا متصرف غیر قانونی هر یک از این دو فرض، به تفکیک، مورد بررسی قرار می‌گیرد.

الف-متصرف قانونی

منظور از متصرف قانونی وسیله نقلیه، شخصی است که مالک، وسیله خود را به صورت قانونی در اختیار وی قرار داده باشد. بعنوان مثال مالک، وسیله مزبور را به دوست خود عاریه یا به آژانس مسافری، اجاره دهد. قانون قدیم در مورد اینکه آیا مسئولیت راننده را نیز تحت پوشش قرار می‌دهد یا خیر، سکوت کرده بود. لذا این احتمال مطرح بود که بیمه‌گر تنها در قبال دارنده، مسئولیت خواهد داشت؛ اما این نقص در قانون جدید بر طرف شده است. تبصره ۱ ماده ۱ مقرر می‌دارد: ((دارنده از نظر این قانون اعم از مالک یا متصرف وسیله نقلیه است...)) بنابراین اگر در مثال‌های مذکور، مستاجر یا مستعیر بیمه نامه را تحصیل نمایند، بیمه‌گر مسئول پرداخت خسارات وارده است. حتی در صورتی که دارنده، وسیله خود را بیمه کرده باشد و آن را در اختیار مستاجر یا مستعیر قرار دهد، نیز خسارت از محل بیمه نامه پرداخت خواهد شد. تبصره ۲ ماده ۱ در این مورد بیان می‌کند ((مسئولیت دارنده وسیله نقلیه مانع از مسئولیت شخصی که حادثه منسوب به فعل یا ترک فعل اوست، نمی‌باشد. در هر حال خسارت وارده از محل بیمه نامه وسیله نقلیه مسبب حادثه پرداخت می‌گردد)).

البته با توجه به ماده ۶ قانون جدید، در مواردی شرکت بیمه موظف است زیان‌دیده را پرداخت نماید؛ اما پس از پرداخت می‌تواند به قائم مقامی زیان‌دیده به راننده رجوع کند. این حکم، در جهت حمایت از شخص ثالث وضع شده است.

ب- متصرف غیر قانونی

منظور از متصرف غیر قانونی، شخصی است که به طریق غیر قانونی از جمله سرقت و غصب بر وسیله نقلیه استیلا یافته است. در این صورت، سوالی که مطرح می‌شود، این است که آیا خسارتی که در نتیجه سلطه بر چنین وسیله ای به اشخاص ثالث وارد می‌شود، تحت پوشش قرار می‌گیرد یا چنین شخصی شایستگی حمایت ندارد؟

باید توجه داشت که قانون جدید متضمن احکام متعدد و جدیدی در مورد حمایت از زیان دیدگان است. از جمله می‌توان به تساوی دیه زن و مرد و تساوی دیه مسلمان و غیر مسلمان بعنوان بیمه حوادث (تبصره ۲ ماده ۴) و همچنین پرداخت خسارت وارده توسط شرکت بیمه حتی در اثر وقوع قوه قاهره (ماده ۷) اشاره کرد. لذا در فرض مورد بحث نیز بهتر است بیمه‌گر خسارت وارده را جبران نماید و سپس به قائم مقامی از زیان‌دیده حق مراجعه به متصرف غیر قانونی را داشته باشد. در جهت تقویت این دیدگاه، می‌توان از وحدت ملاک ماده ۶ قانون جدید، استفاده نمود. برخی معتقدند^{۱۴} با توجه به ماده ۱ و تبصره‌های آن، غاصب نیز متصرف وسیله نقلیه است لذا تعهدات و مسئولیت‌های مالک را دارد. بر اساس این دیدگاه، شرکت بیمه خسارات را می‌پردازد و بعداً آنها را از غاصب می‌گیرد. به اعتقاد "دکتر کاتوزیان" مسئولیت دارنده به خاطر سلطه ای است که وی بر وسیله نقلیه دارد و باید در استفاده از وسیله نقلیه احتیاط کند و ضرر نرساند؛ پس اگر به دلایل قانونی یا قهری این سلطه معنوی از بین برود، دیگر او را نباید مسئول دانست. به عقیده ایشان، در صورتی که وسیله نقلیه به سرقت رود، مالک، مسئولیتی نخواهد داشت و این حالت را باید در حکم حوادث قهری به شمار آورد. ایشان اعتقاد دارند در فرض غصب و سرقت چون بیمه ناظر به مسئولیت دارنده وسیله نقلیه است و از تاریخ سلب سلطه او دیگر نمی‌توان او را دارنده شناخت، لذا مسئولیت غاصب و دزد در برابر زیان‌دیده در زمره تعهدهای بیمه‌گر قرار نمی‌گیرد. با گسترش پوشش‌های بیمه و حمایت از زیان‌دیده در قانون جدید نمی‌توان گفت خسارت زیان‌دیده در این فرض توسط بیمه جبران نشود. هدف از اجباری کرده بیمه این است که تا حد امکان، هیچ ضرری غیر قابل جبران نماند و خسارت، با پرداخت حق بیمه به تمام افراد وارد شود نه یک نفر؛ بنابراین در این فرض بیمه‌گر به تبعیت مسئولیت دارنده، خسارت را جبران می‌کند اما با توجه به قاعده ((الغاصب یؤخذ به اشد الاحوال)) حق مراجعه به غاصب را خواهد داشت.

بند دوم - تحولات رجوعی ماده ۴ مصوب ۹۵ در مقایسه با تبصره یک مصوب ۸۷

بررسی مبنای مسئولیت مدنی دارندگان وسایل نقلیه موتوری با توجه به شمار روز افزون وقوع تصادفات از اهمیت بسیاری برخوردار است. مسئولیت دارنده خود متضمن فروض گوناگونی است. فرض اول که اکثر حقوق دانان تنها به این فرض اشاره کرده اند، حالتی است که دارنده و راننده وسیله نقلیه، یک نفر است. در این صورت ماده ۱ قانون بیمه اجباری سابق علاوه بر اینکه تکلیف دارنده به بیمه نمودن وسیله خود را بیان کرده بود، وی را ضامن جبران خسارت نیز می‌دانست. به همین علت اکثر حقوق دانان از این ماده نظریه خطر را استنتاج کردند؛ اما ماده ۱ قانون جدید (۱۳۸۷) تنها تکلیف دارنده را به بیمه کردن وسیله نقلیه، مقرر نموده و سخنی از مسئولیت وی به میان نیاورده است. از طرف دیگر در ماده ۷ این قانون، قوه قاهره از مصادیق عدم شمول بیمه حذف شده است که این دو امر موجب اختلاف نظر بیشتری میان حقوق دانان شده است. از مجموع مواد قانونی می‌توان نتیجه گرفت که هدف قانون‌گذار این بوده است که خسارت زیان‌دیده جبران شود و ماده ۲۶ قانون رسیدگی به تخلفات رانندگی نیز موید این امر است. به موجب این ماده در صورتی که راننده تمام احتیاطات لازم را در حین رانندگی رعایت کند اما با این وجود تصادفی رخ دهد، وی مسئول نخواهد بود اما خسارت از محل بیمه نامه جبران می‌شود. با توجه به تبعی بودن مسئولیت بیمه‌گر، در این حالت دارنده مسئول خواهد بود. لذا می‌توان گفت مسئولیت دارنده با توجه به اینکه وی در موقعیت بهتری برای جبران خسارت نسبت به زیان‌دیده قرار دارد، مطلق است. در فرض دوم، دارنده شخصی است غیر از راننده. در این فرض حالت‌های مختلفی متصور است: اول اینکه وسیله نقلیه، بیمه شده باشد. در این صورت یا

^{۱۴} بهرامی احمدی، حمید، ۱۳۸۷، تحلیل بر قانون بیمه اجباری وسایل نقلیه موتوری زمینی در برابر اشخاص ثالث مصوب سال ۱۳۴۷ و اصلاحیه قانون مزبور مصوب سال ۱۳۸۷، مجله پژوهش‌های اسلامی دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه شهید باهنر کرمان، شماره ۳، صص ۱۱-۱۰۵

متصرف، متصرف قانونی است یا متصرف غیر قانونی. اگر متصرف غیر قانونی باشد، برخی از حقوق دانان معتقدند که چون این شخص دارنده محسوب نمی‌شود، لذا تعهدات بیمه‌گر در قبال وی قرار نمی‌گیرد؛ اما به نظر ما می‌توان از ماده ۶ قانون جدید (۱۳۸۷) وحدت ملاک گرفت و گفت در این فرض با توجه به هدف حمایت از زیان دیدگان، بیمه‌گر خسارت وارده را جبران می‌کند اما به قائم مقامی بیمه‌گر حق رجوع به متصرف غیر قانونی را خواهد داشت. در صورتی که متصرف، قانونی باشد، به طریق اولی خسارت توسط شرکت‌های بیمه جبران می‌شود. حالت دیگر، این است که وسیله نقلیه، بیمه نشده باشد. در این صورت نیز، یا متصرف قانونی است یا غیر قانونی. اگر متصرف قانونی باشد، بین حقوق دانان در مورد مسئولیت دارنده اختلاف نظر وجود دارد. برخی معتقدند دارنده مسئولیتی نخواهد داشت بلکه راننده، مباشر تلف است. برخی دیگر معتقدند که دارنده مسئول خواهد بود؛ اما در فرضی که متصرف غیر قانونی باشد، به نظر می‌رسد نمی‌توانیم دارنده را به صرف دارنده بودنش مسئول تلقی نماییم؛ اما بنظر می‌رسد راه حلی برای جبران خسارت زیان‌دیده در قانون بیمه اجباری مصوب ۱۳۹۵ مشخص شده که طبق بند ب ماده ۴ بیان می‌دارد "در صورتی که وسیله نقلیه، فاقد بیمه نامه موضوع این قانون یا مشمول یکی از موارد مندرج در ماده (۲۱) این قانون باشد، خسارت‌های بدنی وارده توسط صندوق با رعایت ماده (۲۵) این قانون جبران می‌شود." در واقع توسعه‌ی جنبه‌های حمایتی در قانون بیمه اجباری مصوب ۹۵ در جهت حمایت از زیان‌دیده که توسط صندوق تأمین خسارت‌های بدنی صورت می‌گیرد یکی از بهترین تحولات بیمه در این قانون می‌باشد که در آن حتی خسارت وارده به زیان‌دیده از جانب مسبب حادثه فاقد بیمه نیز جبران می‌شود. قانون بیمه اجباری مصوب ۹۵ با تصریح به تأمین منابع مالی صندوق تأمین در واقع بر این هدف استوار بوده که بتواند جبران خسارت از زیان‌دیده و حمایت از ثالث را به حداکثر برساند و در زمانیکه خسارت‌های بدنی وارد به اشخاص ثالث که به علت فقدان یا انقضای بیمه نامه، بطلان قرارداد بیمه، تعلیق تأمین بیمه‌گر، فرار کردن و یا شناخته نشدن مسئول حادثه ویا ورشکستگی بیمه‌گر قابل پرداخت نباشد یا به طور کلی خسارت‌های بدنی خارج از شرایط بیمه نامه به استثناء موارد مصرح در ماده (۱۷) این قانون، باشد توسط صندوق مستقلی به نام "صندوق تأمین خسارت‌های بدنی" پرداخت گردد.

فهرست منابع و مآخذ

الف- کتب

۱. اوبر، ژان لوک، (۱۳۸۸) بیمه عمر و سایر بیمه‌های اشخاص، ترجمه جانعلی محمود صالحی، تهران: پژوهشکده بیمه، چ ۳.
۲. ایرانی ارباطی، بابک، (۱۳۸۴)، مجموعه نظرهای مشورتی جزائی، مجمع علمی و فرهنگی مجد، چاپ اول، تهران
۳. ایزنلو، محسن، (۱۳۸۷). بیمه و مسئولیت مدنی، تهران: دانشگاه تهران، چ ۱
۴. ایزد پناه، مسیح، (۱۳۸۹). اصول بیمه، تهران: انتشارات مدرسه عالی بیمه.
۵. بابایی، ایرج، (۱۳۸۲). حقوق بیمه، تهران: سمت، چ ۱
۶. بادینی، حسن، (۱۳۸۴)، فلسفه مسئولیت مدنی، چاپ نخست، شرکت سهامی انتشار
۷. باریکلو، علی رضا، (۱۳۸۹)، مسئولیت مدنی، بنیاد حقوقی میزان، چاپ سوم
۸. بهرامی احمدی، حمید، (۱۳۸۸)، حقوق مدنی ۴، مسئولیت مدنی، بنیاد حقوقی میزان، چاپ اول
۹. جعفری لنگرودی، محمد جعفر، (۱۳۷۸). ترمینولوژی حقوق، تهران: گنج دانش، چ ۱.
۱۰. جنیدی، لعیا، (۱۳۸۱)، مسئولیت مدنی ناشی از حوادث رانندگی (مطالعه تطبیقی با تاکید بر نظام‌های کامن لا)، در: مسئولیت ناشی از حوادث رانندگی، زیر نظر دکتر ناصر کاتوزیان، چاپ دوم، انتشارات دانشگاه تهران
۱۱. خدابخشی، عبدا. (۱۳۸۸). بیمه و حقوق مسئولیت مدنی، روزنامه رسمی، چ ۱، بهار.
۱۲. دستباز، هادی، (۱۳۸۴). اصول و کلیات بیمه‌های اشخاص، تهران: دانشگاه علامه طباطبایی، چ ۱، چ ۳
۱۳. شمس، عبدا. (۱۳۸۹)، آیین دادرسی مدنی، تهران: دراک، چ ۲۲.

۱۴. صادقی نشاط، اکبر، (۱۳۷۰). **حقوق بیمه دریایی**، موسسه آموزشی کشتیرانی جمهوری اسلامی ایران (علوم و فنون دریایی و مدیریت).
۱۵. صفایی، سید حسین و رحیمی، حبیب اله، (۱۳۸۹) **مسئولیت مدنی (الزامات خارج از قرارداد)**، انتشارات سمت، تهران، چاپ اول.
۱۶. قاسم زاده، سید مرتضی، (۱۳۸۸)، **الزام ها و مسئولیت مدنی بدون قرارداد**، بنیاد حقوقی میزان، چاپ هفتم
۱۷. کاتوزیان، ناصر، (۱۳۸۶). **ضمان قهری**، تهران: دانشگاه تهران، چ ۸، ص ۱۱۵.
۱۸. کاتوزیان، ناصر، جنیدی، لعیا، و غمامی، مجید، (۱۳۸۰). **مسئولیت مدنی ناشی از حوادث رانندگی**، تهران: دانشگاه تهران، چ ۱.
۱۹. کاویانی، کوروش، (۱۳۸۴) **مقایسه حقوق بیمه‌های اجتماعی و بیمه تجارتي**، دیدگاه‌هایی در حقوق تأمین اجتماعی، (مجموعه مقالات)
۲۰. کریمی، آیت، (۱۳۷۷)، **بیمه اموال و مسئولیت**، تهران: دانشکده امور اقتصادی، چ ۲
۲۱. کریمی، آیت، (۱۳۸۷). **کلیات بیمه**، تهران. پژوهشکده بیمه، چ ۱۱.
۲۲. محمود صالحی، جانعلی. (۱۳۸۱)، **حقوق بیمه**، تهران: بیمه مرکزی ج.ا.ا. چ ۱.
۲۳. محمود صالحی، جانعلی (۱۳۷۲)، **حقوق زیان‌دیدگان و بیمه شخص ثالث**، تهران: دانشکده مدیریت دانشگاه تهران.
۲۴. نعیمی، عمران، (۱۳۹۱)، **حقوق بیمه**، تهران: جنگل، چ ۱.
۲۵. نوری، محمد، (۱۳۸۷)، **مقدمه ای بر بیمه‌های مهندسی**، تهران: بیمه مرکزی ج.ا.ا.

ب-مقالات

۱. بادینی، حسن، قواعد حاکم بر اعمال همزمان نظام‌های جبران خسارت (مسئولیت مدنی، بیمه و تأمین اجتماعی)، **مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران**، فصلنامه حقوق، دوره ۳۸، شماره ۲
۲. رهنمای رود پستی، فریدون-عزیززاده، طاهره، (۱۳۸۸)، ارزیابی عوامل موثر بر خسارات بیمه شخص ثالث و ارتباط آنها با ریسک شرکت‌های بیمه، **فصل نامه صنعت بیمه**، سال ۲۴، شماره ۱ و ۲
- عابدپور، محمود، برداشت رویه قضایی از مفهوم دارنده در قانون بیمه شخص ثالث، **فصل نامه ی آراء، دادگستری اصفهان**، سال پنجم، شماره ی پانزدهم، بهار (۱۳۸۶)